

تعیین کننده های اجتماعی-اقتصادی اعتماد عام در
بین کودکان کار مراجعه کننده به مراکز مردم نهاد
شهر تهران

A Study of Socio-Economic Determinants
of Social Trust among Labor Children
Referring to NGOs in Tehran

Akram Moradi¹, Homira Sajjadi², Meroe Vameghi³, Seyed Hossein Mohaqeqi Kamal⁴, Gholamreza Ghaedamini Harouni⁵

Introduction: Trust is one of the most important synthetic forces within society. Conceptually, trust is also attributable to relationships within and between social groups (history, families, friends, communities, organizations, companies, nations, etc.). It is a popular approach to frame the dynamics of inter-group and intra-group interactions in terms of trust. There is a general consensus among contemporary social scientists that social trust is important, as the small flood of recent publications on the topic shows. The interest in trust covers, unusually, in the increasingly fragmented and specialized academic world, sociology, political science, economics, psychology, history, political theory and philosophy, management and organization studies, and anthropology. Trust, it is said, contributes to economic growth and efficiency in market economics, to

1. M.A in Social welfare
2. Ph.D in Social Medicine
3. Psychiatrist
4. Ph.D in Social welfare and social Health, <Hosseinmoaqeq@gmail.com>
5. Ph.D in Social welfare and social Health

اکرم مرادی^۱، حمیرا سجادی^۲، مروئه وامقی^۳، سیدحسین محقی کمال^۴، غلامرضا قائد امینی هارونی^۵

مقدمه: اجتماع کلی در میان دانشمندان علوم اجتماعی معاصر وجود دارد که اعتماد اجتماعی مقوله ای بسیار مهم است. علاقه به موضوع اعتماد در بسیاری از رشته ها نظیر، جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روان شناسی، تاریخ، فلسفه، مدیریت و سازمان و انسان شناسی در سراسر جهان دیده می شود. امروزه اعتماد اجتماعی از جمله مقولات اساسی در مطالعات اجتماعی و سیاسی معاصر و یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می شود. هدف مطالعه حاضر بررسی تعیین کننده های اقتصادی-اجتماعی اعتماد در بین کودکان کار شهر تهران می باشد.

روش: مطالعه حاضر یک مطالعه همبستگی است که به روش پیمایش انجام شده است.

* کارشناس ارشد رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران، ایران.

** دکتر تخصصی پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات عوامل مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران، ایران.

*** روان پزشکی، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران، ایران.

**** دکتر سلامت و رفاه اجتماعی، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<hosseinmoaqeq@gmail.com>

***** دکتر سلامت و رفاه اجتماعی، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران، ایران.

the provision of public goods, to social integration, co-operation and harmony, to personal life satisfaction, and to democratic stability and development, and even to good health and longevity. Trust is also at the center of a cluster of other concepts that are not less important for social science theory than for practical daily life, including life satisfaction and happiness, optimism, well-being, health, economic prosperity, education, welfare, participation, community, civil society, and democracy. And, of course, social trust is a core component of social capital, and is normally used as a key indicator of it, sometimes as the best or only single indicator. The aim of this research is a study of socio-economic determinants of trust among labor children referring to NGOs in Tehran.

Method: This study is a correlational study that was conducted with survey method. The population of the study was all 13 to 18 year old children who are referred to children support center (including Iliya institute, Shush children home, Naser Khosro children home, Moulavi all children center and science Home) in Tehran. A sample of 105 working children was selected by convenience sampling according to inclusion and exclusion criteria. The

جامعه آماری این مطالعه کلیه کودکان کار ۱۳ تا ۱۸ ساله مراجعه کننده به سازمانهای مردم نهاد حمایت از حقوق کودکان تهران در سال ۱۳۹۳ بودند که ۱۰۵ نفر از ۴ مرکز حمایت از حقوق کودکان (مؤسسه ایلیا، خانه کودک شوش، خانه کودک ناصر خسرو، مرکز همه کودکان مولوی و خانه علم) به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه اعتماد اجتماعی استفاده شد. پس از جمع آوری، داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و رگرسیون چندگانه تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین وضعیت اعتماد اجتماعی کودکان ۶۴/۲۴ (در حد متوسط) با انحراف معیار ۱۰/۰۸ می‌باشد. همچنین از بین عوامل اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی (شامل سن، جنس، بعد خانوار، وضعیت مسکن، محل تولد، ملیت و درآمد) تنها ملیت (ایرانی بودن در مقابل افغانی بودن) و درآمد کودکان با اعتماد اجتماعی آنها ارتباط داشت که این دو متغیر مجموعاً ۲۸/۶ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند.

بحث: با در نظر گرفتن این نکته که زندگی سالم محصول داشتن تعامل اجتماعی است و اعتماد عامل کلیدی مهمی در شکل‌گیری تعامل است، لازم است بسترهای لازم برای حفظ و تقویت اعتماد و اعتمادسازی هر بیشتر مورد توجه مسئولان قرار گیرد. علاوه بر این، با توجه به این که کودکان کار از گروههایی هستند که مشکلات اجتماعی، اقتصادی و

research instrument was a social trust questionnaire. The questionnaire consisted of 25 items and five dimensions including behavior-based trust, cooperative tendencies, openness, honesty, reliability. The face validity of the questionnaire was approved by 12 experts of university of social welfare and rehabilitation sciences in the fields of: social welfare, social work, social policy, sociology, psychiatry, social medicine, and psychology. Also, construct validity which was performed by principal components analysis showed that there is only one factor that explains 52.92% of the variance and all the items loaded on this factor. To determine the reliability of the questionnaire a pilot study was conducted on 30 labor children. Then, after ensuring questions are understandable for the target group and calculating the coefficient alpha, the final questionnaire was developed and completed. Cronbach's alpha coefficient of the questionnaire was 0.954 and Cronbach's alpha coefficients for five dimensions of the questionnaire were 0.971, 0.971, 0.966, 0.969, and 0.967 respectively. Data were analyzed using SPSS statistical software and multiple linear regressions.

Findings: The results showed that 85

خانوادگی بیشتری نسبت به همسالان خود دارند. و با در نظر گرفتن این نکته که این کودکان می‌توانند بالقوه درگیر آسیب‌های اجتماعی شوند. که هزینه‌هایی را به سایر افراد جامعه نیز تحمیل کند، ارائه برنامه‌های مناسب برای افزایش اعتماد اجتماعی آنان می‌تواند هم به‌عنوان راهکاری برای افزایش سلامت اجتماعی این کودکان و افزایش سلامت جامعه از طریق کاستن از آسیب‌های اجتماعی مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، کودکان کار، سازمان‌های مردم‌نهاد، عوامل اقتصادی-اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۲۸

مقدمه

امروزه اعتماد اجتماعی از جمله مقولات اساسی در مطالعات اجتماعی و سیاسی معاصر و یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی است که معمولاً آن را به منزله یکی از شاخص‌های کلیدی در بررسی سرمایه اجتماعی به کار می‌برند و حتی در مواقعی می‌توان گفت بهترین یا تنهاترین شاخص در

percent of the samples were girl, 73 percent had Afghan nationality, 3 percent were illiterate, 90 percent were in elementary school and only 7 percent had high school education. As well as nearly 60 percent of people, both married and divorced met their wives or husbands traditionally. They were mainly introduced to each other by their families and friends. Also, the average family size was $n = 6.85$ for working children. 77% of their parents lived together and another 23% were divorced or one parent had died. Furthermore, average income of children was 539,000 Tomans monthly (between 90,000 to 1,300,000 Tomans). The findings about the children's job showed that shopkeeper and peddler were the most important jobs. The results showed that social trust was at intermediate level (64.24 ± 10.08) among labor children. In the aspect of social trust, the behavior-based trust mean was 13.3 (between 6 to 21), a cooperative tendency was 8.92 (between 5 to 21), openness was 12.41 (between 6 to 19), honesty was 14.13 (between 9 to 21), and reliability was 15.48 (between 9 to 20). In addition, among the economic and social factors examined including age, sex, income,

زمینه بررسی سرمایه اجتماعی است (دیلی، ۲۰۰۳).

اعتماد اجتماعی از عواملی است که می‌تواند در ایجاد ذهنیت مثبت از طریق فراهم کردن زمینه مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه دخیل باشد. از نظر زتومکا^۱ (۱۳۸۷) اعتماد به معنای انتظار عمل صادقانه از دیگران نسبت به خود است. اهمیت اعتماد در روابط و پیوندهای اجتماعی به گونه‌ای است که زمینه همکاری و تعامل را در ابعاد مختلف جامعه گسترش می‌دهد، در حالی که کاهش اعتماد اجتماعی در جامعه موجب می‌شود ترس از برقراری رابطه و احساس ناامنی بین اعضا به وجود آید که مانع از تداوم و تقویت رابطه و کاهش همکاری و تعاملات می‌شود که در این صورت فردگرایی و منفعت‌طلبی که منشاء بسیاری از انحرافات و نابسامانیهای

1. Deily
2. Sztompka

family size, place of birth, nationality, and housing situation only income and nationality significantly associated with social trust. These two factors together explained about 28.6 percent of the social trust variance.

Discussion: Considering the fact that healthy living is a product of social interaction and trust is a key factor in the formation of interaction, it is necessary to attempt for maintain and strengthen the trust in society. Furthermore, due to the fact that working children have more social, economic and family problems than their peers and taking into account the fact that these children could potentially be involved in social problems, that also impose costs on other people, providing appropriate programs to increase their social trust can be a method of improving children's social health and, consequently, social well-being for society.

KeyWords: Labor children, NGOs, Socio-economic factors, Social trust

کلی در مورد نقش و اهمیت اعتماد می‌توان گفت اعتماد به‌عنوان عامل کلیدی در راستای آموزش خوب (کلمن، ۱۳۷۷)، تأمین کیفیت مراقبتهای سلامت و حتی حل و فصل منازعات قومی به شمار می‌رود (لوک^۲، ۲۰۰۲).

اجتماعی است در جامعه رواج می‌یابد (باستانی و همکاران، ۱۳۸۷).

اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین جزء سرمایه اجتماعی یکی از شاخصها و نشانگرهای مؤثر سلامت و بهزیستی اجتماعی است. بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هیس^۱ و توکوویل^۲ معتقدند که اعتماد پایه اساسی نظم اجتماعی است و تنشهای اجتماعی را کاهش و انسجام را افزایش می‌دهد. ایده اساسی این است که اعتماد افراد به یکدیگر و اعتماد آنها به نهادهای اجتماعی همراه با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی سودمند می‌تواند اثرات مثبتی بر سلامت جسمی و روانی افراد و همچنین بر کارایی نظام داشته باشد (شارع پور، ۱۳۸۸). به‌طور

1. Hiss
2. Toukvill
3. Locke

با توجه به این که اعتماد اجتماعی در تمامی اعصار و قرون یکی از موضوعات مهم حیات اجتماعی بوده و با گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده شده است و در جوامع امروزی به دلیل بر خورداری از ویژگیهای خاصی نظیر وسعت، تنوع، وجود اشکال و مسائل جدید، نقش و اهمیت اعتماد برجسته تر شده است. یکی از ویژگیهای جوامع امروزی حضور افراد غریبه و ناآشنا در محیط زندگی است. در واقع غریبه‌ها ما را احاطه کرده‌اند و زندگی ما به مجموعه‌ای از ناشناخته‌ها و نامعینها وابسته شده است. بنابراین در شرایط نامعین امروزی، زندگی اجتماعی به تهدیدهای گسترده و جدیدی تبدیل شده است و اعتماد به نیازی مبرم و اساسی برای کنار آمدن با غریبه‌ها و داشتن ارتباط و تعاملی کارآمد و مؤثر تبدیل شده است همچنین تغییرات گسترده در شیوه سازماندهی اجتماعی (تقسیم کار گسترده و بیش از حد تخصصی شدن) نیاز به وجود اعتماد در روابط اجتماعی را پررنگ کرده است (رمضانیان، ۱۳۸۶).

امروزه در حال گذار از جوامع مبتنی بر تقدیرگرایی به سوی جوامع مبتنی بر عاملان انسانی هستیم و به منظور رویایی با آینده به صورت فعال و ساخت‌مند نیازمند اعتماد اجتماعی هستیم (زتومکا، ۱۳۸۷). اعتماد همچنین هسته مرکزی بسیاری از مفاهیم کاربردی در تئوری علوم اجتماعی است که برای تبیین فرایندهای زندگی روزمره از قبیل رضایت از زندگی، خرسندی، خوش‌بینی، بهزیستی، تندرستی، مشارکت، مردم‌سالاری و... به کار گرفته می‌شود (دیلسی، ۲۰۰۳).

نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که عوامل گوناگونی بر اعتماد اجتماعی افراد اثرگذار است. به‌عنوان مثال تحقیقات نشان داده که زنان بیشتر از مردان نامطمئن و بی‌اعتمادند، چه زن زیر نفوذ فرهنگ و نقشهایی که اجرا می‌کند

آموخته است که خودش را بپوشاند و نسبت به بیرون با سوءظن برخورد کند. در گروه زنان نیز زنان مجرد و متأهل با زنان تحصیل‌کرده و غیرتحصیل‌کرده با پایگاه‌های متفاوت درجه اعتمادشان فرق می‌کند (محسنی، ۱۳۸۰). علاوه بر این، سن افراد نیز بر روی اعتماد اثر می‌گذارد. به طوریکه تحقیقات تجربی حاکی از آن هستند که سطح اعتماد عام با سن افزایش می‌یابد (توسلی، ۱۳۷۹). به نظر افه، افراد دارای منابع بیشتر به خاطر این که دیگران با آنها صادقانه‌تر برخورد می‌کنند و توانایی تحمل هزینه خیانت به اعتمادشان و نیز قدرت ریسک‌پذیری بالاتری دارند دارای اعتماد بیشتری هستند. همچنین فوکویاما (۱۹۹۹) معتقد است فروپاشی خانواده بر روابط مبتنی بر اعتماد اثر می‌گذارد. دست کم کودکان تک والدینی یا آنها که والدینشان از هم جدا شده‌اند از دسترسی به پدر و شبکه ارتباطات پدر در جامعه وسیع‌تر و نیز از اعتماد بنیانی به یک شخصیت مقتدر که با ارزش‌ترین مدل ایفای نقش به شمار می‌رود و روابط کودک را با دیگر بزرگسالان شکل می‌دهد، محروم می‌مانند (توسلی، ۱۳۷۹). به‌طور کلی این گونه به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و اجتماعی در اعتماد اجتماعی افراد نقش دارند که در مطالعه حاضر برخی از آنها مانند سن، جنس، درآمد، وضعیت سکونت، ملیت، بعد خانوار، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات را بررسی می‌کنیم.

از طرف دیگر، کودکان سرمایه‌های امروز و فردای جامعه هستند و هر جامعه‌ای که به درستی از این سرمایه‌ها حفاظت کند و آنها را در زمان و شرایط مناسب به‌کار گیرد آینده‌ای روشن‌تر در انتظار آن خواهد بود ولی متأسفانه کشور ما به دلایلی مانند شرایط گذار و مهاجرت از پدیده کودکان کار بی‌نصیب نمانده است. بدون شک سازماندهی و مهار این پدیده صرف‌نظر از صرفه‌جویی

اقتصادی در کشور از بروز و شیوع آسیبهای اجتماعی تا حد زیادی جلوگیری می‌کند کودکان کار به‌عنوان افرادی که در جامعه با اشخاص مختلفی سر و کار دارند و کیفیت روابط موجود بین آنها توأم با حس اعتماد و یا بالعکس می‌تواند در ایجاد، حفظ و پایداری سلامت اجتماعی و یا به مخاطره انداختن آنها در جامعه مؤثر باشد به‌عنوان گروه هدف در این پژوهش انتخاب شدند.

کودکان کار و خیابان با تجربه کردن ناملایمات و خطرات متعدد در زندگی شخصی خویش، به‌صورت بالقوه می‌توانند هم قربانی و هم عامل انتقال آسیبهای اجتماعی به سایرین باشند و این نشانگر آن است که با عدم مهار این پدیده در آینده دچار مشکلات عدیده‌ای مانند ناامنی، فقر، بیکاری، افزایش آسیبهای اجتماعی و... خواهیم بود. همچنین با پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ اهمیت و ضرورت شناخت هر چه بیشتر پدیده کودکان کار دو چندان می‌شود که چشم‌پوشی از این مهم به منزله نقض کنوانسیون حقوق کودک و آموزه‌های دینی موجود در جامعه است.

باتوجه به اهمیت اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از داراییهای محدود کودکان کار به‌دلیل عدم دسترسی به سایر منابع قدرت مانند ثروت، تحصیلات و...، تحقیق حاضر به‌دنبال بررسی تعیین‌کننده‌های اقتصادی-اجتماعی اعتماد در بین کودکان کار شهر تهران می‌باشد.

چارچوب نظری

۱- مفهوم اعتماد و عوامل مؤثر بر آن

دورکیم اعتماد را آرامشی می‌داند که حاصل زندگی مسالمت‌آمیز بشر در

کنار هم‌نوعانش در حالت صلح و به دور از هر گونه دشمنی و خصومت است (کافی، ۱۳۷۴). اریکسون اعتماد را نگرشی نسبت به خود و دنیای پیرامون می‌داند که حاصل تجربیات شخص در سال اول زندگی است. اعتماد عبارتست از انتظار برآورده شدن نیازهای شخصی و اینکه می‌شود روی دنیا یا منابع برآورده کننده خارجی حساب کرد (پورافکاری، ۱۳۷۶). فوکویاما نیز اعتماد را مشارکت در ارزشها و هنجارهای غیر رسمی درمیان اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، تعریف می‌کند (تونکیس، ۱۳۸۷). کوهن اعتماد را انتظار دریافت حسن نیت مستمر از سوی دیگران می‌داند. از این رو در اعتماد امکان واگذاری منابع به دیگران وجود دارد با این انتظار که آنان به گونه‌ای عمل خواهند کرد که نتایج منفی به حداقل برسد و دستیابی به نتایج میسر شود (کوهن، ۱۹۹۶).

گیدنز (۱۹۹۲) ضمن موافقت با زیمل برداشت خود را با این تعریف آغاز می‌کند که اعتماد به‌عنوان اطمینان یا اتکاء بر ماهیت یا خاصیت شخصی یا چیزی یا صحت گفته‌ای توصیف می‌شود. گیدنز معتقد است که اعتماد نه تنها با ریسک بلکه با احتمال وقوع در ارتباط است، اعتماد همیشه مفهوم ضمنی و مجازی قابلیت اتکاء و اطمینان به شکل پیامدهای احتمالی دارد، خواه این پیامدها مربوط به اعمال فرد باشند و خواه مربوط به عملکرد سیستمها.

۲- اعتماد در حوزه علوم اجتماعی

از مجموع تعاریف اعتماد از دیدگاه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی می‌توان این مفهوم را در سه حوزه روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی

مورد تعریف و تفسیر قرار داد که در زیر به هر یک از این سه حوزه می‌پردازیم:

الف- در حوزه روان‌شناسی اعتماد یک خصوصیت فردی است و به صورت یک خصلت مرکزی یا شخصیتی با ویژگیهای فرد از قبیل طبقه، درآمد، سن و جنس مرتبط است. این حوزه اعتماد را به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌کند و بر احساسات، عواطف و ارزشهای فردی تأکید می‌کنند و در بررسی اعتماد تئوریهای شخصیت و متغیرهای فردی را مورد توجه قرار می‌دهند. بر اساس این دیدگاه اعتماد با مفاهیمی چون همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت و امید و دگرخواهی ارتباط نزدیک برقرار می‌کند (دیلی و نیوتن، ۲۰۰۴).

ب- در مباحث روان‌شناسی اجتماعی اعتماد یک نگرش مثبت در فرد یا امر خارجی در نظر گرفته می‌شود و در مناسبات فرد و جامعه اعتماد در سطح افراد نسبت به افراد دیگر یا پدیده‌های بیرونی سنجیده می‌شود. در این دیدگاه چون اعتماد فرایندی است که در جریان جامعه‌پذیری آموخته می‌شود، لذا به دو بعد فردی و اجتماعی که در یک طرف اعتماد شونده و در طرف دیگر اعتماد کننده وجود دارد توجه می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰).

ج- رهیافت دیگری که بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی مطرح است، اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا ویژگی روابط اجتماعی مفهوم‌سازی می‌کنند و دیدگاه اخیر بر خلاف دیدگاه اول به زمینه‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. در این دیدگاه اعتماد بیشتر به عنوان ویژگی جمعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بنابراین برای محصولات نهادی جامعه قابل کاربرد است. در این شیوه برای مثال سیستمها به عنوان سیستم با اعتماد بالا یا پائین ارزیابی می‌شوند (میسیتال، ۱۹۹۶).

1. Dellhy and Newton
2. Misztal

۳- اشکال مختلف اعتماد اجتماعی

در بررسی مفهوم اعتماد، اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی در مقایسه با اتکای انحصاری بر هر یک از دیدگاه‌ها (اعتماد به‌عنوان ویژگی شخصیتی یا اعتماد به‌عنوان ویژگی نظام اجتماعی) می‌تواند ثمر بخش‌تر باشد. دیدگاه ترکیبی می‌تواند اعتماد را به‌عنوان مفهومی ارزشمند برای چیرگی بر تمایز بین سطح کلان و خرد مطرح کند. یعنی اعتماد را به‌عنوان بعدی از ساخت اجتماع مورد بررسی قرار دهیم که نه فقط به شکل کامل و منحصر در سطح روان‌شناسی یا در سطح نهادی مطالعه شود، بلکه برای درک آن ویژگی روان‌شناختی و سطح نهادی را به‌طور همزمان مورد توجه قرار دهیم. با در نظر گرفتن ارتباط دو سطح فرد و نظام و بررسی آراء اندیشمندان در متون جامعه‌شناسی سه شکل اصلی اعتماد قابل تشخیص است:

الف- اعتماد بنیادی

اعتماد بنیادی^۱ نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون، که رفتار و اعمال ما را متأثر می‌سازد و موجب تقویت تفکری می‌گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند و به استمرار^۲ و ثبات^۳ آن صحنه می‌گذارد. اریکسون معتقد است که اعتماد بنیادی در مراحل اولیه زندگی (شیرخوارگی) انسان شکل می‌گیرد. اعتماد بنیادی ما را به مفهومی رهنمون می‌سازد که آنتونی گیدنز از آن تحت عنوان «امنیت هستی‌شناسی»^۴ یاد می‌کند. منظور از امنیت هستی‌شناختی اطمینانی است که اغلب موجودات انسانی از پیوستگی و استمرار هویت خود و محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود دارند. به اعتقاد گیدنز امنیت

1. Basic trust

2. Continuity

3. Consistency

4. Ontological security

هستی‌شناختی یک پدیده شناختی نیست بلکه یک پدیده احساسی است و در ناخودآگاه ریشه دارد. آنچه مسلم است پاسخگوئی به پرسشهایی از این قبیل است؛ آیا من واقعاً وجود دارم؟ آیا من امروزی همان کسی هستم که دیروز بودم؟ آیا مردم واقعاً وجود دارند؟ این پرسشها را نمی‌توان از طریق بحث عقلی و به شکل بی‌چون و چرا پاسخ گفت (گیدنز، ۱۳۷۷).

گیدنز در تبیین این موضوع، معتقد است که باید در این زمینه مراحل و عوامل جامعه‌پذیری مورد بررسی قرار گیرند. به اعتقاد او منشاء امنیت در افراد بالغ، در همه زمانها در تجربیات دوران کودکی نهفته است. افراد طبیعی میزان بالایی از اعتماد را در اوایل زندگی دریافت می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۷).

ب- اعتماد بین شخصی

اعتماد بین شخصی^۱ شکل دیگری از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌کند و با کاستن از حالت دفاعی، موجب بسیاری از تعاملات می‌شود. اعتماد بین شخصی حوزه‌ای از تعاملات میان دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار، راننده و مسافر و... را در بر می‌گیرد. بررسی دیدگاههای مختلف نشان می‌دهد که روابط اجتماعی در ایجاد اعتماد بین شخصی نقشی اساسی را ایفا می‌کند. اعتماد بین شخصی در روابط و تعاملات اجتماعی معنا پیدا می‌کند، توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰).

ج- اعتماد عام یا اعتماد تعمیم‌یافته

اعتماد عام یا اعتماد تعمیم‌یافته^۱ را می‌توان، داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف نمود. این تعریف نه تنها روابط چهره به چهره را در بر می‌گیرد بلکه حوزه‌ای از کسانی که با هم تعامل دارند و یا می‌توانند داشته باشند را نیز در بر می‌گیرد. در واقع اعتماد تعمیم‌یافته حوزه‌های خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی و... را در می‌نوردد و در سطوح ملی و همراه با شکل‌گیری دولتهای مدرن نیز مطرح می‌شود. این نوع اعتماد مستلزم مشارکت و همکاری تمامی افراد است که جامعه مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند (امیرپور، ۱۳۸۶). منظور از اعتماد در مطالعه حاضر اعتماد عام یا تعمیم‌یافته است.

۴- اعتماد اجتماعی و ابعاد آن

هر چند که مفهوم اعتماد پیچیده و درک آن دشوار است و به سادگی نمی‌توان عناصر و ابعاد آن را مشخص کرد. جانسون اعتقاد دارد که در یک رابطه مبتنی بر اعتماد (اعتماد کننده و اعتماد شونده) عناصر زیر وجود دارند: صراحت و باز بودن^۲، سهیم کردن^۳، پذیرش^۴، حمایت^۵، تمایلات همکاری جویانه^۶، رفتار مبتنی بر اعتماد کردن^۷، رفتار قابل اعتماد^۸ و اعتماد کننده بودن و قابل اعتماد بودن^۹. سطح اعتماد در محدوده یک رابطه، بر اساس توانایی و اشتیاق افراد برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن مدام در حال تغییر است. وقتی شما با قرار دادن خود در معرض ارتباط با دیگران، مشتاق یک ارتباط با نتایج نافع یا مضر هستید،

1. Extended trust

2. Openness

3. Sharing

4. Acceptance

5. Support

6. Cooperative intentions

7. Trusting behavior

8. Trustworthy

9. Being trusting

اعتماد کننده تلقی می‌شوید، به بیانی خاص، وقتی شما خود افشاء بوده و خواهان پذیرش و حمایت آشکار از دیگران هستید، اعتماد کننده می‌شوید. صریح بودن، سهیم کردن دیگران در اطلاعات، ایده‌ها، افکار، احساسات و عکس‌العملها سطح اعتماد به شما را می‌سازد. سهیم کردن، ارائه ذخایر خودتان به دیگران است تا آنها را در نیل به اهدافشان یاری کنید. وقتی شما قابل اعتماد هستید که مایلید اقدام تهورآمیز شخصی را، پاسخ گوید و این تضمین ایجاد شود که شخص مقابل شاهد نتایج نافع خواهد بود. به بیانی دقیق‌تر، شما وقتی قابل اعتماد هستید که نسبت به طرف مقابل، ابراز استقبال، حمایت و همکاری کنید. همانند زمانی که شما نسبت به صراحت و افشاگری او پاسخ و عکس‌العمل مساعد متقابل نشان می‌دهید. پذیرش، بیان احترام و ارزش برای طرف مقابل و اظهارات وی است. حمایت، انتقال این فکر به طرف مقابل است که شما درک می‌کنید که او تواناییها و شایستگیهای لازم برای حل و فصل مطلوب مسائل کنونی و موقعیت حاضر را داراست (جانسون، ۱۹۹۳). تمایلات همکاری جویانه، بیانگر آن هستند که شما می‌خواهید، برای نیل به یک هدف متقابل، با همدیگر همکاری کنید. شواهد قابل توجهی وجود دارد که ابراز گرمی و محبت، حسن تفاهم دقیق و گرایشهای همکاری جویانه حتی در مواردی که تضادهای لاینحلی بین افراد وجود دارد، باعث افزایش اعتماد در یک رابطه انسانی می‌شود. بر مبنای نظر جانسون، در مطالعه حاضر رفتار مبتنی بر اعتماد کردن، تمایلات همکاری جویانه، صراحت، صداقت، اطمینان به عنوان ابعاد اعتماد اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند.

روش

مطالعه حاضر یک مطالعه همبستگی است که به روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری این مطالعه کلیه کودکان کار ۱۳ تا ۱۸ ساله مراجعه کننده به سازمانهای مردم نهاد حمایت از حقوق کودکان تهران در سال ۱۳۹۳ می‌باشد. جهت محاسبه حجم نمونه، فرمول زیر که مربوط به حجم نمونه در مطالعات همبستگی است، انتخاب شد.

برای این منظور مقدار ضریب همبستگی مطلوب در این پژوهش در حد ۰/۳، مقدار $Z_{1-\alpha/2}$ با فاصله اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱/۹۶ و مقدار $Z_{1-\beta}$ با بتای ۰/۲ برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

$$n = \left(\frac{Z_{1-\alpha/2} + Z_{1-\beta}}{0.5 \text{Ln} \left[\frac{(1+r)}{(1-r)} \right]} \right)^2 + 3$$

با توجه به محاسبات انجام گرفته حجم نمونه برابر با ۸۵ نفر به دست آمد (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷).

$$n = \left(\frac{1.96 + 0.84}{0.5 \text{Ln} \left[\frac{(1+0.3)}{(1-0.3)} \right]} \right)^2 + 3 = 85$$

در واقع ضریب همبستگی ۰/۳ که مورد انتظار محقق است با حداقل حجم نمونه ۸۵ نفر برآورده شد. اما در نهایت با توجه به معیارهای ورود و خروج ۱۰۵ نفر از افراد جامعه پژوهش در این مطالعه وارد شدند. نمونه‌های مطالعه از ۵ مرکز

حمایت از حقوق کودکان (مؤسسه ایلیا، خانه کودک شوش، خانه کودک ناصر خسرو، مرکز همه کودکان مولوی و خانه علم) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. کار کردن کودک و در فاصله سنی ۱۳ تا ۱۸ سال بودن (با استناد به پرونده هر فرد در واحد مددکاری هر مرکز)، پرسش از خود کودک در مورد سن و کار کردن و شناخت مربیان هر کلاس از معیارهای ورود به مطالعه بودند.

برای سنجش اعتماد اجتماعی از پرسشنامه اصلاح شده اعتماد اجتماعی صفاری‌نیا و شریف (۱۳۸۹) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۵ گویه است و هر ۵ گویه یک مؤلفه را می‌سنجد. این ۵ مؤلفه عبارتند از: رفتار مبتنی بر اعتماد کردن، تمایلات همکاری جویانه، صراحت، صداقت، اطمینان. آزمودنیها به پرسشها بر مبنای مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت پاسخ خواهند داد. روایی صوری پرسشنامه مزبور توسط متخصصان تأیید شد و پایایی این ابزار، که بر روی ۶۰۰ دانشجوی اجرا شد، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه معادل ۰/۹۵۴ را نشان داد. ضریب آلفای کرونباخ هر ۵ بعد به ترتیب برابر با ۰/۹۷۱، ۰/۹۷۱، ۰/۹۶۶، ۰/۹۶۹، ۰/۹۶۷ گزارش شد. روایی سازه این ابزار نیز که با تحلیل مؤلفه‌های اصلی انجام گرفته، نشان داد که تنها یک عامل وجود دارد که ۵۲/۹۲ درصد واریانس را تبیین می‌کند و همه گویه‌ها در این عامل بارگذاری می‌شوند (صفاری‌نیا، ۱۳۹۱).

با توجه به اینکه جامعه آماری (کودکان کار ۱۳ تا ۱۸ سال) مطالعه حاضر متفاوت از مطالعه صفاری‌نیا و شریف بود، برای تعیین مجدد روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه اقداماتی به شرح زیر انجام شد. به منظور تعیین روایی صوری پرسشنامه اعتماد اجتماعی از آنجایی که این پرسشنامه برای اولین بار در بین کودکان اجرا می‌شود، پرسشنامه اعتماد اجتماعی صفاری‌نیا و شریف به همراه توضیحات کتبی درباره اهداف و جمعیت مورد مطالعه در اختیار دوازده

نفر از اساتید دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی که دارای تخصص‌های پزشکی اجتماعی، مددکاری، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بودند و در زمینه کار با کودکان دارای تجربیاتی بوده‌اند قرار داده شد. پرسشها نیز شامل موارد زیر بود:

آیا آنچه مورد نظر پرسشنامه بوده (سنجش ابعاد اعتماد)، بدرستی در هر یک از پرسشها مورد سوال قرار گرفته است؟

آیا هر کدام از پرسشها برای جامعه ما و بخصوص جامعه هدف تحقیق (کودکان کار) مناسب و قابل استفاده است؟

آیا هر کدام از سؤالات برای مخاطبان، قابل فهم است؟

تعداد یازده پرسشنامه عودت داده شد و پس از انجام تغییرات و اصلاحات پیشنهادی، روایی پرسشنامه مذکور تأیید گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه مذکور ۳۰ نفر از کودکان کار به این پرسشها پاسخ دادند و پس از کسب اطمینان از قابل فهم بودن پرسشها برای گروه هدف و محاسبه ضریب آلفا، پرسشنامه نهایی تدوین و تکمیل گردید.

پس از جمع‌آوری اطلاعات جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر شاخصهای آمار توصیفی شامل جداول فراوانی، درصد، میانگین، واریانس، کمینه و بیشینه از رگرسیون خطی چندگانه جهت بررسی اثر همزمان چند متغیر پیش‌بین بر متغیر ملاک نیز استفاده شد.

جدول (۱) شاخصهای توصیفی متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن

نام متغیر	min	max	M	SD
مقایس کل اعتماد اجتماعی	۴۳	۹۶	۶۴/۲۴	۱۰/۰۸۲
رفتار مبتنی بر اعتماد کردن	۶	۲۱	۱۳/۳۰	۳/۱۸۴
تمایلات همکاری جویانه	۵	۲۱	۸/۹۲	۴/۹۱۴
صداقت	۶	۱۹	۱۲/۴۱	۲/۴۶۸
صراحت	۹	۲۱	۱۴/۱۳	۱/۲۹۶
اطمینان	۹	۲۰	۱۵/۴۸	۲/۳۷۳

یافته‌ها

توصیف نمونه‌ها براساس جنس نشان می‌دهد که ۱۳/۲٪ از شرکت‌کنندگان دختر و ۸۵/۸٪ پسر بودند. درخصوص ملیت شرکت‌کنندگان، ۲۶/۷٪ شرکت‌کنندگان ایرانی و ۷۳/۳٪ افغانی بودند. ۲/۹٪ آنها بی‌سواد، ۹۱/۴٪ دارای تحصیلات ابتدایی و ۵/۷٪ دارای تحصیلات راهنمایی بوده‌اند و ۸۰٪ در حال تحصیل، ۱۷/۱٪ ترک تحصیل و ۰/۹٪ بی‌سواد بوده‌اند. والدین ۷۷/۱٪ از شرکت‌کنندگان با هم زندگی می‌کردند، ۶/۷٪ طلاق گرفته بودند، ۳/۸٪ خانه توسط پدر ترک شده، ۱٪ خانه توسط مادر ترک شده بود و ۱۰/۵٪ پدرشان فوت شده بود. یافته‌ها در مورد وضعیت اسکان نشان داد ۶۶/۷٪ از شرکت‌کنندگان با خانواده، ۲۶/۷٪ با اقوام، ۴/۸٪ با دوستان، ۱٪ در مراکز حمایتی و ۱٪ در محل کار زندگی می‌کردند. در مورد بعد خانوار، شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر به طور میانگین با ۶/۸۵

نفر زندگی می‌کردند. میانگین درآمد این کودکان ۵۳۹۰۰۰ تومان بود. همچنین یافته‌ها در مورد شغل این کودکان نشان داد که ۴۸٪ آنها به‌عنوان شاگرد مغازه، ۲۳٪ دستفروش، ۲۱٪ کار در کارگاه و ۵/۷٪ به‌عنوان چرخکار (باربر) مشغول به کار بودند.

جدول (۲) نتایج تحلیل رگرسیون جهت بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای

متغیرها	S. E	β	t	p
عدد ثابت	۱/۷۶	--	۳۱/۵۹	<۰/۰۰۱
ایرانی بودن	۱/۷۸	۰/۴۴۷	۵/۳۹	<۰/۰۰۱
درآمد	<۰/۰۰۱	۰/۳۲۶	۳/۹۳	<۰/۰۰۱

$R=۰/۵۴۷, R^2_{Adj}=۰/۲۸۶, F=۲۱/۷۹, p<۰/۰۰۱$

یافته‌ها در مورد سنجش وضعیت اعتماد اجتماعی در بین کودکان کار نشان می‌دهد که میانگین اعتماد اجتماعی شرکت‌کنندگان ۶۴/۲۴ با انحراف معیار ۱۰/۰۸ می‌باشد. کمترین مقدار اعتماد اجتماعی ۴۳ و بیشترین آن ۹۶ بود که با توجه به مقدار حداقل و حداکثر اعتماد اجتماعی (۲۵ و ۱۲۵)، میانگین اعتماد اجتماعی کودکان کار در سطح متوسط بوده و حداقل و حداکثر ابعاد اعتماد نیز (۵ و ۲۵) می‌باشد، میانگین نمره ابعاد اعتماد اجتماعی نیز در سطح متوسط می‌باشد (جدول ۱).

یافته‌ها در خصوص اثر متغیرهای زمینه‌ای بر اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که از بین متغیرهای زمینه‌ای وارد شده به مدل (سن، جنس، ملیت، وضعیت اسکان، درآمد، بعد خانوار و محل تولد) فقط متغیرهای ملیت و درآمد در مدل باقی ماندند: اثر ملیت و درآمد بر اعتماد اجتماعی مثبت بود. به‌طور کلی متغیرها باقی مانده در مدل ۲۸/۶٪ از تغییرات اعتماد اجتماعی را تبیین کردند. به

عبارت دیگر، ایرانی بودن (در مقایسه با کودکان کار افغانی) و درآمد بالا داشتن موجب افزایش اعتماد در میان کودکان کار شده است. از این میان ایرانی بودن نقش بیشتری نسبت به درآمد در تبیین اعتماد داشت. مدل رگرسیون به دست آمده از برآزش مناسبی برخوردار است (جدول ۲).

بحث

در این مطالعه، با توجه به مدل رگرسیون برآزش شده، مشخص شد که ۲۸/۶٪ از تغییرات نمره کل اعتماد اجتماعی توسط متغیرهای ملیت و درآمد تبیین شد. همانگونه که این مدل نمایان ساخت هیچ یک از متغیرهای سن، جنس، بعد خانوار و محل تولد از متغیرهای زمینه‌ای نقشی در تبیین اعتماد اجتماعی نداشتند. ولی متغیرهای ملیت و درآمد نقش تبیین کننده‌ای برای اعتماد اجتماعی داشتند. در مورد نقش تعیین کنندگی متغیر ملیت که نتایج نشان داد اعتماد اجتماعی کودکان کار ایرانی در مطالعه ما بالاتر از کودکان کار افغانی بود. این نتیجه همسو با مطالعات سیلور و آلبچ^۱ (۲۰۰۱) است که عواملی چون آشنفگیهای اجتماعی، از دست دادن خویشاوندان و فاصله جغرافیایی از مبدأ را به عنوان عوامل مرتبط با اعتماد و سرمایه اجتماعی گزارش کردند.

در مورد درآمد که بر اساس یافته‌ها دارای نقش تبیین کننده برای اعتماد اجتماعی است، این یافته همسو با نظرات اندیشمندان^۲ چون همچون زتومکا (۱۳۸۴)، پاتنام (۲۰۰۰) و کلمن (۱۳۷۷) و افه (۱۳۸۴) می باشد. برای مثال به نظر افه، افراد دارای منافع بیشتر به خاطر این که دیگران با آنها صادقانه تر برخورد می کنند و توانایی تحمل هزینه خیانت به اعتمادشان و نیز قدرت ریسک پذیری

1. Silver and Allbech

بالاتری دارند دارای اعتماد بیشتری هستند.

در مطالعه حاضر، برخلاف یافته‌های سفیری (۱۳۹۳)، زتومکا (۱۳۸۴) و محسنی (۱۳۸۰) رابطه‌ای بین سن و جنس با اعتماد اجتماعی مشاهده نشد. یکی از دلایل این ناهم‌سویی می‌تواند حجم نمونه پایین و یا دامنه تغییرات اندک سنین در نمونه‌های مورد بررسی مطالعه حاضر باشد و از طرف دیگر این یافته همسو با مطالعه نیوکویست (۲۰۱۲) است که نشان داد سن تأثیری بر میزان اعتماد ندارد. بعد خانوار و محل تولد از متغیرهایی بودند که نقشی در تبیین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن نداشتند. عدم تأثیرگذاری این مؤلفه که محل تولد فرد در شهر بوده یا روستا و یا این که با چند نفر زندگی می‌کنند بر اعتماد اجتماعی‌شان را شاید بتوان به علت متغیر بودن وضعیت اسکان‌شان به دلیل مهاجرت‌ها و جابجایی‌های (حتی بین شهری) این کودکان دانست که باعث می‌شود متغیرهای دیگری در اعتماد اجتماعی آنان تأثیرگذار باشد.

از جمله محدودیتهای این مطالعه می‌توان به حجم نمونه پائین و حضور بیشتر کودکان افغانی در مقایسه با کودکان ایرانی و همچنین تعداد اندک کودکان دختر نسبت به کودکان پسر اشاره کرد. مطالعه بر روی یکی از جمعیت‌های هدف رفاه و سیاست اجتماعی یعنی کودکان کار و بررسی این جمعیت از نظر وضعیت اعتماد اجتماعی و عوامل تبیین‌کننده آن که در مطالعات پیشین مورد بررسی قرار نگرفته بود، از نقاط قوت این مطالعه محسوب می‌گردد.

با در نظر گرفتن این نکته که زندگی سالم محصول داشتن تعامل اجتماعی است و اعتماد عامل کلیدی مهمی در شکل‌گیری تعامل است، لازم است بسترهای لازم برای حفظ و تقویت اعتماد و اعتمادسازی مورد توجه مسئولان قرار گیرد. شاید کاهش اعتماد اجتماعی را همانند بسیاری از مسائل اجتماعی

نتوان به صورت واضح یا به شکل یک مشکل اساسی نشان داد یا درک کرد اما باید این واقعیت را بپذیریم که آثار آن را در پیامدهایی مانند افزایش آسیبها و مشکلات، کاهش سلامت اجتماعی و... می‌توان احساس کرد و این مسئله چنان آرام و بی‌صدا دامن‌گیر می‌شود که کمتر کسی آن را احساس و درک می‌کند به همین دلیل مسئولان از آن غافل و کمتر به آن توجه دارند. با مدنظر قرار دادن تأثیر اعتماد اجتماعی در افزایش سلامت اجتماعی پیشنهاد می‌شود متخصصان، برنامه‌ها و کلاس‌هایی در زمینه ارتقاء اعتماد اجتماعی داشته باشند که زمینه‌ای باشد برای یادگیری تعامل اجتماعی صحیح برای برقراری ارتباط درست با محیط و جامعه. علاوه بر این، با توجه به این که کودکان کار از گروه‌هایی هستند که مشکلات اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی بیشتری نسبت به همسالان خود دارند و با در نظر گرفتن این نکته که این کودکان می‌توانند بالقوه درگیر آسیب‌هایی شوند که هزینه‌هایی را به سایر افراد جامعه نیز تحمیل کند، ارائه برنامه‌های مناسب برای افزایش اعتماد اجتماعی آنان می‌تواند هم به‌عنوان راهکاری برای افزایش سلامت اجتماعی این کودکان و افزایش سلامت جامعه از طریق کاستن از آسیب‌های اجتماعی مد نظر قرار گیرد.

- امیرپور، م. (۱۳۸۱). بررسی جامعه‌شناختی میزان اعتماد اجتماعی گروه‌های قومی نسبت به سیاست‌های اجتماعی دولت. رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۱). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه نمایه پژوهش، شماره ۹، ۹-۲۴.
- افه، ک. (۱۳۸۱). چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟. ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
- باستانی، س.، کمالی، ا. و صالحی هیکویی، م. (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی شبکه و روابط متقابل بین‌شخصی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۶۱، شماره ۱۶، ۱۸-۰۴.
- پورافکاری، ن. ا. (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روان‌شناسی- روان‌پزشکی. چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- تونکیس، ف. (۱۳۸۱). اعتماد و سرمایه اجتماعی. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- رضائیان، م. ص. (۱۳۸۱). اعتماد به سازمانها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی. مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- زتومکا، پ. (۱۳۸۱). اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: انتشارات شیرازه.
- سفیری، خ. و منصوریان راوندی، ف. (۱۳۹۳). تبیین رابطه هویت جنسی و سلامت اجتماعی زنان مردان جوان شهر تهران. جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۵، ۱۵-۰۷.
- شارع پور، م. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی به نیروی انتظامی: مطالعه موردی استان مازندران. جامعه‌شناسی کاربردی، مجله علمی اصفهان، شماره ۶۳، ۴-۵.
- کلمن، ج. (۱۳۷۳). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۳). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- Koehn, D. (1996). Should we trust in trust? *American Business Law Journal*, winter 96, Vol. 34, Issue 2. 183-204.

- Deily, J. & Kenneth, N. (2003). *Who trusts? The origins of social trust in seven societies*. Publishing models and article dates explained.
- Locke, R. (2002). *Building Trust*. Massachusetts Institute of Technology. From http://scripts.mit.edu/~rlocke/docs/papers/Locke_BuildingTrust.pdf
- Misztal, B. A. (1996). *Trust in Modern societies: The Search for the Bases of Social Order*. Blackwell. Cambridge: Polity Press.
- Nyqvist, F. N. & Jakobsson, M. (2012). Social Participation, interpersonal trust, and health: A study of 65- and 75- year- old in western Finland. *Journal of Public Health*, 40, 431-438.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling a lone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
- Silver, E. & Allbech, P. (2001). Migration. Aging and Mental Health: An Ethnographic Study on Perceptions of life satisfaction, Anxiety and Depression in older Somali Men in East London. *International Journal of Social Welfare*, 10 (4), 309-320.